



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۲۹

عبدالقیوم میرزاده

## آزادی بیان

در نوشته مؤرخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ خویش زیر عنوان «پرپریت و وحشت محکوم است» وعده سپرده بودم تا به اندازه درک و توانایی ام در باره آزادی بیان توضیحی ارائه کنم. اینک در این خامه سعی خواهم کرد تصویری تا حد دسترس روشن از آزادی بیان ترسیم کنم تا از یکطرف موانع ساختاری و غیر ساختاری در مسیر راه آزادی بیان توضیح گردد و از طرف دیگر از نام آزادی بیان در مسیر مخالف منافع ملی کشور، اهانت و هتک حرمت انسان جامعه ما سوء استفاده ها بر ملا گردد.

در سیر تاریخ بشر تا زمان حاکمیت اسطوره ها با آنکه حیات شناسان انتروپولوگ ها و زبان شناسان کدام تصویر روشن از توانایی های بیان هموعان ما و اشکال آزادی اش در این عرصه ارائه نکرده اند، اما از زمان تشکیل اجتماعات بشری و دولت ها مسئله آزادی بیان مانند سایر مسائلی که منافع قدرت های بزرگ، حاکمان مطلق و اسطوره های آنها را که برویت آن حاکمیت خویش را بالای توده های میلیونی مردم زیر نام دولت، نظم عامه، دین و مذهب و رعایت قوانین در محدوده جهان و در محدوده کشورها زیر سوال ببرد از جمله مسایل متنازع فیه بوده و هر کشوری بزعم خودش از آزادی بیان و این نوع آزادی ها تعریفی ارائه میکنند و هر سیستم سیاسی همچنان پیروان مذاهب گوناگون با در نظر داشت خطوط سرخ منافع، عقاید و باور هایشان برای آزادی بیان خط و نشان هایی میکشند. یکی از بحث انگیز ترین مورد درباره آزادی بیان همانا تعیین حد و مرز آزادی بیان است که بیان ها تا کدام اندازه میتوانند منافع فردی و یا عمومی را زیانمند سازند؟ و یا اینکه بیان ها مخالف با احکام قانون نباشند ولی از لحاظ اخلاقی اشکالاتی را در روابط اجتماعی جامعه مسبب گردند.

اما با وصف این همه تعاریف، تنازعات و خط و نشان ها آزادی بیان یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین حقوق طبیعی انسانی در مجموعه حقوق بشری محسوب میگردد. حقوق طبیعی عبارت از همان حق و حقوقی است که انسان بخاطر انسان بودنش یا به عبارتی دیگر بنابر طبیعت انسانی اش از آن برخوردار است و پیوسته تابع قوانین طبیعی میباشد که مشروعیت اش را از طبیعت و فطرت انسانی خویش میگیرد. به قول جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) نظریه پرداز انگلیسی که بنام پدر لیبرالیسم کلاسیک مشهور است:

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

« قوانین طبیعی خدا ایجاب می‌کند که هیچ‌کس به حیات، سلامتی، اموال و آزادی دیگران تجاوز نکند و بنابراین این حق طبیعی هر انسانی است که کسی به حیات، اموال یا آزادی‌های او تجاوز نکند. » بر علاوه جان لاک بسیاری از جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان جهان به این باور اند که آزادی بیان در پهلوی سایر حقوق انسانی حق طبیعی انسان‌ها است. زیرا طبیعت آزاد انسان آزاده مستلزم بیان آزاد تفکر و اندیشه فرد می‌باشد.

از تجارب جوامع انسانی که در آن به آزادی بیان ارزش قایل اند و منحصیث حق طبیعی انسان آزاده آنرا معتبر و محترم می‌شمارند چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آزادی بیان در انکشاف خلاقیت و رشد استعداد های انسانی و رشد هنر، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اداره این جوامع نقش بسزایی داشته است.

بوسیله آزادی بیان انسانها قادر میشوند تا دیدگاه و تفکرات شان را به سایر هموعان شان بدون هراس منتقل سازند آزادی بیان ضمانت مطمئن رشد و انکشاف جامعه بشری بوده و نبود آزادی بیان سایر شاخص و نورم های حقوق بشری را نیز تحت شعاع قرار داده و مردمان این جوامع از عقب مانده گی های عمومی رنج می‌برند.

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ظهور دنیایی را که در آن افراد بشر بصورت آزادانه و بدون ترس عقاید و نظریات شانرا بیان کرده بتواند بشارت میدهد و این حق به عنوان اهم و بالا ترین آرمان بشری تسجیل گردیده است. همچنان بنابر اهمیت آزادی بیان منحصیث مبرمترین حق انسانی به کرات در میثاق های بین المللی و اسناد معتبر جهانی از آن یاد آوری شده و حکومت و دولت ها بر رعایت آن ملزم گردانیده شده اند. چنانچه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان حقوق بشر به این مسئله چنین پرداخته اند:

« همه افراد بشر حق آزادی بیان دارند، این حق شامل آزادی حیثیت وجود، دریافت و دادن همه انواع اطلاعات و ایده ها بدون توجه به مرزهای سرزمینی می‌گردد، خواه این ایده ها و اطلاعات به صورت شفاهی، کتبی و یا به صورت چاپی و یا اینکه در قالب و شکل هنری بوده و یا اینکه از طریق رسانه های گروهی و یا هر وسیله دیگر باشد.»

زنده گی انسان در نشیب و فراز های سیستم های متنوع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و اداره، ما را یقیناً به این باور میرساند که آزادی بیان از بارز ترین نمود های آزاد منشی و کرامت انسان است. همه انسان ها بدون استثناء بنابر اقتضای طبیعت شان آرزو دارند آزادانه دیدگاه های خود را ابراز کنند، آزادانه دیدگاه های شانرا بنویسند، دیدگاه ها و عقاید شانرا در قالب اشکال و ترسیمات هنری خلق کنند و معرفت شانرا از جهان و ماحول شان به سایرین ابراز دارند. در کشور ما نیز آزادی بیان منحصیث حق برحق مردم در ماده سی و چهارم قانون اساسی کشور به این متن ضمانت گردیده است:

« آزادی بیان از تعرض مصون است هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، بارعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارانه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو، تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

این ماده قانون اساسی آزادی بیان را به افغانان منحصر ساخته، مهاجرین، خارجیان مقیم در کشور، ژورنالیستان و سایر باشنده گان کشور مشمول این قانون نگردیده و از قلم افتیده اند اما با همه کمبودی اش آزادی بیان را برای اتباع کشور ضمانت کرده است.

همچنان قانون رسانه های اجتماعی افغانستان با رعایت ماده ۳۴ قانون اساسی کشور و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی بیان را چنین تعریف میکند:

« هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله، ایجاد محدودیت و تهدید از طرف مسؤولان دولتی شامل این

حق است. این حق در برگیرنده‌ی فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می‌باشد. دولت، آزادی رسانه‌های اجتماعی را حمایت، تقویت و تضمین می‌نماید. هیچ شخص حقیقی یا حکمی به شمول دولت و ادارات دولتی نمی‌تواند فعالیت آزاد رسانه‌های خبری یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگری در امور نشرات رسانه‌های همه‌گانی و معلوماتی مداخله کند، مگر مطابق احکام این قانون.»

قابل تذکر است که حق و حقوق انسانی مانند آداب و رسوم فرهنگی و ملی اعتباری نیست که در میان فرهنگ‌های مختلف انواع مختلف داشته باشد و هر ملت، هر کتله و هر لایه آزادی بیان و یا سایر حقوق انسانی منحصر به خویش داشته باشند. حقوق انسانی شامل خطوط اساسی زنده گی و زیر بنای تهادب حیات انسانها شمرده میشود و لازمی است تا همه افراد بشر بدون در نظر داشت رنگ پوست، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی از تمام حقوق انسانی و بطور اخص حق آزادی بیان برخوردار باشند. اما متأسفانه حاکمیت‌ها چه در کشور ما و چه در سایر کشورها این حق طبیعی انسان را منوط و مربوط به شاخصهای فرهنگی، مذهبی و قانونی و فراقانونی گردانیده اند و در پرتو حاکمیت، قانون و مذهب آزادی‌های مردم و منجمله آزادی بیان را تعریف میکنند.

با این توضیح مختصر میتوان آزادی بیان را چنین تعریف کرد: آزادی بیان عبارت از ضمانتی است برای افراد بشر در اراییه هر نوع فکر و اندیشه به همه طریقه‌ها از آنجمله طُرق گفتار، قلم، نگارش، تیاتر، تصویر، نقاشی، پیکر تراشی برای مخاطبین میباشد.

نا گفته نماند که آزادی بیان با سایر حقوق و آزادی‌های بشری چون آزادی در انتخاب محل سکونت، آزادی انتخاب شغل، آزادی برای انتخاب مذهب، آزادی اندیشه‌های سیاسی رابطه تنگاتنگ دارد. پژوهش، تحقیق، دسترسی به وسایل پژوهش و تحقیق چون کتابخانه‌ها، موزیم‌ها، انترنت و دسترسی آسان به برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی چون رادیو، تلویزیون، اخبار و مجلات همچنان از شاخص‌های آزادی بیان میباشد که از منظر قانون و میثاق‌های بین‌المللی باید افراد جامعه همه یکسان بدون تبعیض به آن دسترسی داشته باشند.

با وصف اهمیت حیاتی آزادی بیان و تسجیل آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی تا هنوز هم در بسیاری از کشورها جهان منجمله کشور ما افغانستان مردم به گونه کامل از این حق طبیعی و مسلم برخوردار نیستند. در بسیاری از کشورها زیر نام قدسیت پادشاه، قدسیت مذهب، تابوهای عقیدتی، اجتماعی و سیاسی، مقررات و قوانین نوشته شده و نا نوشته در جامعه و باورهای اساطیری مردم آزادی بیان زیر پوشش لطمه بر سعادت انسان محدود گردیده است و به مردم حق نمیدهند به بسیاری از مسایل که مستقیماً به زنده گی، اقتصاد، رابطه‌شان با اجتماع تأثیر مستقیم دارد ابراز نظر کنند. بدین ترتیب مهمترین معضل زنده گی اجتماعی نسل اندر نسل تکرار گشته و از مردم حق ابراز نظر در آن زمینه سلب شده است. طوریکه گفته آمدیم آزادی بیان حق طبیعی انسانها بوده و در محدوده فردی حق آزادی بیان امری فراتر از حق سخن گفتن و یا نوشتن میباشد.

در اینجا لازم به تذکر است که انسانها در جوامع بشری همه بصورت یکسان از حق آزادی بیان برخوردارند و نباید فردی ویا کتله با سوء استفاده از این حق طبیعی حقوق و حیات سایر هموعان شان را تهدید کنند و یا با سوء استفاده از آزادی بیان نظم عمومی جامعه را به مخاطره انداخته و سلامت جامعه انسانی را معیوب سازند. یعنی اینکه آزادی بیان نباید منجر به سلب آزادی دیگران و یا تجاوز به حقوق دیگران گردد و در تضاد با مصالح عمومی یا امنیت ملی جامعه قرار گیرد. نباید زیر نام آزادی بیان به معنویت و حیثیت انسانی سایر افراد جامعه لطمه وارد کرد زیرا مطابق اعلامیه حقوق بشر و قوانین اکثریت کشورها جهان حیثیت افراد جامعه از تعرض مصون است. آزادی بیان منحیث حق طبیعی انسان و رکنی از ارکان دیموکراسی در همه حالات با تمام شاخص

های دیموکراسی هم‌نوا و همگام باشد و نباید این شاخص‌ها را که منافع عموم جامعه در آن نهفته است تخریب کند.

بسیاری از جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان آزادی بیان را با وصف رابطه حیاتی اش با کرامت انسانی و بهبود سطح زنده‌گی انسان در روی زمین از ضروریات اشد جستجو و دریافت حقیقت می‌شمارند. اما باید اذعان داشت که فکر و عقاید انسانها پیوسته در حال تغیر و انکشاف بوده و حقیقت امروز شاید حقیقت فردا برایمان نباشد. تنها همان نظریه‌ها ماندگار اند که در برابر سیر حوادث، چالشها و تغیرات اجتماعی پایدار میمانند. پس نباید روی بیان نظریات خویش در پرتو آزادی بیان چنان پافشاری کنیم که امنیت عمومی را به مخاطره اندازیم و یا به حریم خصوصی افراد تجاوز صورت گیرد.

در مباحث حقوقی اصطلاحات حقوقی مانند حریم خصوصی، مضمون، متهم، مجرم، خاین، تهمت، افتراء، جرم، خیانت و خیانت ملی هرکدام معانی و مفاهیم خاص خود را داشته و هر کدام باتعریف مشخص حقوقی برای تأمین نظم و استحکام سلامت جامعه مد نظر میباشند.

بنأ استفاده نا بجا و یا زیر نام آزادی بیان سوء استفاده از این اصطلاحات به منظور تهدید و تخویف رقبای و مخالفین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میتواند شیرازه نظم جامعه را برهم زده و مردم را به کتله‌ها و گروه‌های مخالف بجان هم انداخته و جامعه را با بحران‌های بزرگ اجتماعی مواجه ساخته و در نتیجه اعتماد متقابل را در جامعه برهم زند.

در کشور ما متأسفانه در بیش از چهار دهه اخیر سیاسیون و علاقمندان سخنگوی شان شان در تعارض با اصول و ارزشهای اخلاقی و کرامت انسانی با سوء استفاده از آزادی بیان یکدیگر شانرا بدون در نظر داشت شاخص‌های منافع ملی، اتحاد ملت، خیر و فلاح مردم، احترام به حقوق انسان و ارزشهای دیموکراسی و اداره دولت چنان به باد ناسزا، تهمت، افتراء، نکوهش، سرزنش و سعایت گرفته اند و بدون اسناد اثباتیة جرمی و فیصله محکمه یکدیگر را محکوم میکنند و به این ترتیب باعث انقطابات و مرز بندی‌های عمیق اجتماعی شده و عامل این همه بحران‌ها گردیده اند. همه از نام متخصصین و کارشناسان امور اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی، اداره، فرهنگ و امور دینی (الهیات) اوضاع کشور را زیر بحث منحصر به خود میگیرند و همه مخالفین نظریاتی شانرا چه به نرخ روز و چه از روی باور‌ها و عقاید شان به باد استهزا و سرزنش تا سرحد دشنام و هتک حرمت و تجاوز به حریم خصوصی یکدیگر مبادرت میورزند. این خطا کاران یا عامدانه بنابر دستور اجنبیان که چشم از نسبت به کشور ما دارند و یا نا دانسته و ناشیانه خود هم پلیس جنایی و حقوقی هستند، و خود هم خائرنوال و خود هم قاضی هرکدام با سوء استفاده از نام آزادی بیان در عین زمان چندین خطای حقوقی را مرتکب شده و جامعه را هرچه بیشتر بسوی افتراق و تخاصم قمچین میکنند.

زیر نام آزادی بیان و یا سوء استفاده از نام آزادی بیان این تهمت‌ها و سخنان بیهوده بی پایه و اساس و وارونه جلوه دادن حقایق و واقعیت‌های جامعه اند که اوضاع کشور ما را در این چهار دهه متشنج ساخته و سبب گمراهی مردم گشته اند و امروز مردم ما که چندان از سواد هم بهره ندارند راه شان را گم کرده و دنباله‌رو طالبان پاکستانی و آخوند‌های ایرانی شده اند و به وحدت ملی شان باور ندارند و جامعه ما به سمت بی‌ثباتی، جنگ برادر کشی، بی‌نظمی، هرج و مرج همچنان در حرکت است.